

دیدگاه‌های معاون سابق امور مطبوعاتی دربارهٔ اصلاح قانون مطبوعات

## مشکل قانون فعلی به آن حد نیست که مانع فعالیت سالم مطبوعاتی شود

■ به موجب ماده ۶ قانون مطبوعات حتی رسیدگی به مسایلی چون امنیت ملی نیز در صلاحیت دادگاه عمومی و با حضور هیأت منصفه است.

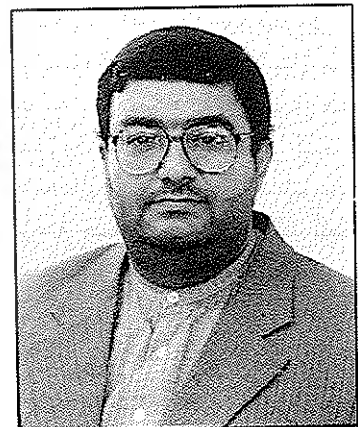
■ برخی مطبوعات اخیراً به دادگاه انقلاب فراخوانده شدند. به نظر می‌آید این مسأله باعث تداخل وظایف دادگاه انقلاب و دادگاه مطبوعات می‌شود. نظر شما در این مورد چیست؟

□ در بین حقوقدانان تقریباً این نظر قطعی است که دادگاه انقلاب یک دادگاه تخصصی است و اختیار رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را ندارد. به‌ویژه آنکه در اصل ۱۶۸ قانون اساسی آمده است که جرائم مطبوعاتی باید در محاکم عمومی دادگستری و با حضور هیأت منصفه و به صورت علنی مورد رسیدگی قرار گیرد. همه حقوق‌دانان توافق نظر دارند که منظور از محاکم دادگستری، محاکم عمومی دادگستری است، حال آنکه دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی با شرح وظایف مشخص است. به این خاطر این بحث که دادگاه انقلاب صلاحیت رسیدگی به جرائم

اشاره

احمد بورقانی، معاون سابق امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چندی قبل همراه با رجیلمی مزروعی رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در کلاس درس «مصاحبه» مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها حاضر شد و به سؤالات دانشجویان روزنامه‌نگاری دربارهٔ مسایل مختلف مطبوعات پاسخ گفت. از جمله بحث‌های مطرح شده در کلاس، مسایل مربوط به قانون مطبوعات و اصلاح آن بود و بورقانی تأکید کرد که قانون فعلی مطبوعات اگر مشکلی هم داشته باشد به آن صورت نیست که اجازهٔ فعالیت سالم مطبوعاتی را ندهد. وی گفت: آنچه در قانون فعلی فراموش شده است، حقوق خیرنگاران است.

آنچه در ادامه آمده، گزیده‌ای از پرسش و پاسخ دانشجویان با احمد بورقانی در جلسهٔ یادشده است:



مطبوعاتی را دارد مورد خدشه است. گذشته از آن به موجب ماده ۶ قانون مطبوعات حتی رسیدگی به مسایلی چون امنیت ملی نیز در صلاحیت دادگاه عمومی و با حضور هیأت منصفه است. به علاوه بند ۶ ماده ۶ قانون مطبوعات نیز - که فاش نمودن اسرار و دستورها و مسائل محرمانه و اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، نقشه و استحکامات نظامی و افشای محاکم غیر

#### ■ نشریات عامه‌پسند در سه

سال اخیر همین عملکرد را

دنبال می‌کرده‌اند اما ظاهراً آن

موقع هدف نبوده‌اند اما الان

بهانه‌ای شده‌اند برای برخورد

با مطبوعات جدی‌تر.

■ شاه‌دیم که حمله به مطبوعات

با حمله به نشریات عامه‌پسند

شروع می‌شود و به تعطیلی

نشریات جدی منتهی می‌شود.

علنی دادگستری و تحقیقات مراجع را بدون کسب مجوز، جرم می‌دانند. مقرر داشته که مجرم باید در دادگاه عمومی و با حضور هیأت منصفه و به صورت علنی محاکمه شود.

■ با توجه به ابهاماتی که در مورد

دادگاه‌های مطبوعات و اختیارات

هیأت نظارت در قانون مطبوعات

وجود دارد به نظر شما تا رفع کامل

این نواقص و ابهامات و ایجاد

فضای سالم مطبوعاتی چقدر،

فاصله داریم؟

□ به اعتقاد ما، حوزه مطبوعات از حوزه‌های قانونمند بخش فرهنگ است و اگر هم قانون مطبوعات مشکلی داشته باشد به آن صورت نیست که اجازه فعالیت سالم مطبوعاتی را ندهد. قانون حاکم ما، قانون اساسی است و اصول را روشن کرده است و گفته است که مطبوعات و نشریات در بیان مطالب آزاد هستند، مگر اینکه محل مبانی اسلام و حقوق عمومی باشند. در اصل ۱۶۸ می‌بینیم که رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی باید در محاکم عمومی و با حضور هیأت منصفه و به طور علنی انجام شود. تمام حرف ما این است که گاهی به این قانون بی‌توجهی می‌شود. اگر به قانون درست عمل شود دیگر مشکلی نداریم چه از جانب مجریان قانون که خود ما باشیم، چه از جانب مطبوعات که قانون درباره آنها است و چه از جانب دستگاه قضایی که بر فعالیت‌های موجود در جامعه نظارت دارد. بنابراین اگر هریک از ما به دقت به مقررات موجود عمل کنیم، نه در رسیدگی به تخلفات مشکلی وجود خواهد داشت و نه در فعالیت‌های مطبوعاتی. موضوع این است که به این مقررات توجه نمی‌شود.

■ پس شما معتقدید که در قانون

مطبوعات اشکالاتی وجود دارد؟

□ اصلاً آن چیزی که بشر تدوین کرده

باشد مگر می‌تواند اشکال نداشته باشد؟

تمام قوانین بشری قابل خدشه است. اما

در شرایط فعلی معضل خاصی در قانون

مطبوعات نداریم که مانع فعالیت

مطبوعاتی شود. چیزی که در قانون فعلی

مطبوعات فراموش شده است و یک

مشکل جدی است، فراموشی حقوق

خبرنگاران است. حقوق مطبوعات و

خبرنگاران امر بسیار مهمی است و باید

اصلاحاتی در این مورد صورت بگیرد، اما

این مسأله نیز مانع فعالیت خوب مطبوعاتی نیست. قانون مطبوعات در حال حاضر این حق (نه وظیفه و نه اختیار) را به مطبوعات داده است که نظرات و انتقادات سازنده خود را مطرح کنند. می‌شود حقوق روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و نویسندگان را نیز در همین اصل دید و لحاظ کرد. البته مرانعی در قانون وجود دارد که زیاد شفاف نیست اما مانعی نیز برای فعالیت مطبوعات نیست.

■ در حالی که مدیرمسئول نشریه به

عنوان بالاترین عضو نشریه باید

پاسخگو باشد، آیا موردی برای

مسئول شناختن خبرنگار باقی

می‌ماند؟

■ تعداد مجوزهایی که در

مدیریت جدید داده شده است با

دوره مدیریت قبل، اصلاً قابل

مقایسه نیست. در یک سال

گذشته کلاً ۲۱۸ نشریه مجوز

گرفته‌اند در حالی که تنها در

تابستان سال ۱۳۷۶، ۱۵۰ مجوز

صادر شده است.

□ ما معتقدیم که بنابر قانون

مطبوعات، مدیرمسئول در برابر موارد

چاپ شده مسؤل است و اوست که

تصمیم می‌گیرد چه چیزی چاپ شود

بنابراین خود او نیز باید جوابگو باشد.

■ همان‌طور که مستحضر هستید

تعداد مجلات و هفته‌نامه‌هایی که از

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مجوز می‌گیرند بسیار زیاد است. در

این بین مجلات خانوادگی و

هفته‌نامه‌های ورزشی با شباهت‌های

فراوان - که اغلب در سرازیری ساده

نگاری و ساده اندیشی نیز

غوطه‌ورند - مجوز دریافت کرده و

منتشر می‌شوند. علی‌رغم وجود این

همه نشریه مشابه آیا به نظر شما ضرورتی برای دادن این همه مجوز به این قبیل نشریات وجود دارد؟ □ این گفته، در واقع شاه‌بیت حرف کسانی است که مخالف سیاست‌های مطبوعاتی وزارت ارشاد هستند. یعنی معتقدند که وزارت ارشاد عملی را انجام داده است که موجب افزایش نشریات عامه‌پسند شده است. در توضیح این نکته باید عرض کنم تعداد هفته‌نامه‌های کشور در حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ عنوان است که حدود هفتاد درصد

مثلاً نشریه «سان» (sun) در انگلیس تیراژی حدود چهار میلیون نسخه دارد و نشریه نیویورک پست تیراژی حدود سه میلیون نسخه دارد و تنها در نیویورک پخش می‌شود. اما در ایران چون خواننده دائم ندارند و نمی‌توانند نیاز یک خواننده خوب مطبوعات را برآورده کنند، تیراژشان پایین است. دوم اینکه این نشریات رقیب تفریحات ناسالم هستند از جمله رقیب فیلم‌های ممنوعه، ماهواره، و .... البته کارکرد منفی نیز دارند از جمله :

خانه‌ها راه دارند و کاملاً حرفه‌ای عمل می‌کنند و از هر قشری و با هر سطح سوادى آن را می‌خوانند. پس این دسته هم می‌توانند نشریات موفقى باشند.

نکته مهم این است که این نشریات در سه سال اخیر همین عملکرد را دنبال می‌کرده‌اند قبلاً هم وجود داشته‌اند و همین رویه را تعقیب می‌کرده‌اند اما ظاهراً آن موقع هدف نبوده‌اند اما الان بهانه‌ای شده‌اند برای برخورد با مطبوعات جدی‌تر. الان شاهدیم که حمله به مطبوعات با حمله به این نشریات شروع می‌شود و به تعطیلی نشریات جدی منتهی می‌شود. به‌طور کلی به اعتقاد ما این نشریات نه دردسرساز هستند نه مضر و باید به آنها کمک کنیم تا ساختارشان اصلاح شود.

در مورد اعطای مجوز نیز باید بگویم که در مدیریت جدید ارشاد، اتفاقاً به این گونه نشریات بسیار با خست امتیاز داده شده است و تنها دو - سه عنوان از اینگونه نشریات از مدیریت جدید مجوز دریافت کرده‌اند و بقیه مجوزها در مدیریت قدیم اعطاء شده است.

علاوه بر آن مجوز را هیأتی صادر می‌کند که وزارت ارشاد تنها یک عضو آن است و تنها یک رأی دارد.

نکته مهم دیگر اینکه تعداد مجوزهایی که در مدیریت جدید داده شده است با دوره مدیریت قبل، اصلاً قابل مقایسه نیست. در یک سال گذشته کلاً ۲۱۸ نشریه مجوز گرفته‌اند که تنها صد عنوان از آنها آماده چاپ است و ۱۱۸ مجوز صادر شده تا به حال به مرحله چاپ نرسیده‌اند. و این در حالی است که تنها در تابستان سال ۱۳۷۶، ۱۵۰ مجوز صادر شده است.

■ آیا کندی کار هیأت نظارت بر مطبوعات در خصوص صدور مجوز برای متقاضیان نشریات به دلیل تغییر سیاست‌های وزارت

- در بین حقوقدانان تقریباً این نظر قطعی است که دادگاه انقلاب یک دادگاه تخصصی است و اختیار رسیدگی به جرائم مطبوعاتی را ندارد.
- همه حقوق دانان توافق نظر دارند که منظور از محاکم دادگستری که در قانون اساسی آمده، محاکم عمومی دادگستری است، حال آنکه دادگاه انقلاب یک دادگاه اختصاصی با شرح وظایف مشخص است.
- به اعتقاد ما، حوزه مطبوعات از حوزه‌های قانونمند بخش فرهنگ است.

بزرگنمایی برخی مسایل و ورود به حریم خصوصی افراد. اما از نظر ما نقش مثبت‌شان بیشتر از نقش منفی آنها است. سیاست‌های ارشاد هم تقویت نقش مثبت و اصلاح ساختاری آنها است. و مایلیم که هم در حوزه نیروی انسانی و هم در حوزه منابع خبری کمکشان کنیم و دوست داریم که اگر نشریه عامه‌پسند داریم، در طبقه‌بندی‌ها بتوانیم آن را در میان مطبوعات خوب قرار دهیم. البته نشریات عامه‌پسندی نیز داریم که این حریم‌ها را حفظ می‌کنند و بسیار موفق نیز هستند. پرتیراژترین نشریات کشور دو نشریه عامه‌پسندی هستند که به حریم تمام

آن در شهرستانها و به صورت محلی توزیع می‌شود. اما هفته‌نامه‌هایی که مورد بحث است، حدود ۳۰ نشریه است و هیچکدام نیز تیراژشان بیش از پنجاه هزار نسخه نیست. معمولاً بین ده تا بیست هزار نسخه تیراژ دارند. این هفته‌نامه‌ها که به عمق نمی‌روند و به سطح مسایل می‌پردازند چند کارکرد مثبت دارند؛ اول اینکه بسیاری از جوانان روزنامه خوانی را با این مجلات شروع می‌کنند. اگر قرار بود این نشریات خواننده ثابت داشته باشند باید تیراژشان بسیار بیش از این ارقام می‌بود. می‌دانیم که مجلات عامه‌پسند در همه جای دنیا پرتیراژترین مجلات هستند.

**■ ما معتقدیم که بنابر قانون مطبوعات، مدیرمسئول در برابر موارد چاپ شده مسئول است و اوست که تصمیم می‌گیرد چه چیزی چاپ شود بنابراین خود او نیز باید جوابگو باشد.**

این به علت تغییر سیاست‌های وزارت ارشاد نیست چون وزارت ارشاد معتقد است باید در مدتی که قانون معین کرده است - یعنی ظرف سه ماه - جواب متقاضیان را داد ولی این پاسخگویی نیز از عهده ما خارج است چون باید هیأت نظارت پرونده را بررسی کند و رأی صادر کند. در حال حاضر حدود ۵۰۰ پرونده تکمیل شده و بدون نقص منتظر امضای هیأت نظارت هستند. حدود ۴۵۰ مورد هم در حال تکمیل پرونده‌های خود هستند و چند مورد هم متقاضی جدید



فرهنگ و ارشاد اسلامی است؟  
□ وزارت ارشاد صرفاً یک عضو هیأت نظارت است و به اندازه یک عضو باید از آن توقع داشت نه بیشتر. جهت اطلاع عرض می‌کنم که در حال حاضر بسیاری از متقاضیان بیش از دو سال است که در انتظار صدور مجوز هستند. این انتظار طولانی و بیش از حد، لطماتی را به فرهنگ جامعه می‌زند. مثلاً برخی دانشگاه‌ها درخواست انتشار تشریحات علمی را داشته‌اند، که این کندی صدور مجوز، هم حقوق متقاضیان را ضایع می‌کند و هم ممکن است صدماتی را به بعضی از حوزه‌های جامعه وارد کند. منتها

داریم که فرم‌های مربوطه را پر کرده و پرونده تشکیل داده‌اند. گاه برخورد‌های تندی هم در وزارتخانه به همین خاطر صورت می‌گیرد و برخی از متقاضیان حرف ما را باور نمی‌کنند که گاه به اصطکاک بین ارباب رجوع و مسئولین نیز می‌انجامد که البته برای ما اصلاً خوشایند نیست. گذشته از این موارد، ما معتقدیم هرکس که شرایط مشخص شده در قانون را دارا است، باید از این حق بهره‌مند شود و بتواند افکار و نظرات و دیدگاه‌ها و تحقیقات خود را در چارچوب قانون نشر دهد.

**■ اکثر مطبوعات خبرهایشان را از خبرگزاری دریافت می‌کنند. برای رفع این مشکل، چه برنامه‌ای دارید؟**

□ یکی از سیاست‌هایی که به دنبال آن هستیم ایجاد تنوع منابع خبری مورد نیاز مطبوعات است. اقداماتی هم صورت گرفته است. امکان دسترسی به منابعی نیز فراهم شده است. در اینترنت نیز منابع خبری خوبی وجود دارد. وزارت ارشاد نیز مجوز تأسیس مؤسسات مطبوعاتی و خبری را صادر کرده است. هیچ چاره‌ای جز این نیست که امکان فعالیت مؤسسات جمع‌آوری و تولیدکننده خبر را فراهم کنیم و گسترش دهیم. منتها چون این مؤسسات سوددهی ندارند، افراد به سختی حاضرند که در این مؤسسات سرمایه‌گذاری کنند. مگر اینکه چشم‌انداز روشنی پیش رویشان باشد و سیاست ما نیز این است که به این مؤسسات کمک بیشتری کنیم تا بتوانیم با منابع خبری بیشتری روبرو بشویم.

**■ با توجه به شواهد موجود که نشان دهنده عدم نظارت بر توزیع مطبوعات است نظرتان را در مورد ضرورت بازنگری در توزیع مطبوعات بفرمایید؟**

□ توزیع مطبوعات در دست بخش خصوصی است. البته کاملاً با شما موافق هستیم که این نظام ناتوان است زیرا این کار بصورت سنتی انجام می‌شود. حوزه مطبوعاتی وزارت ارشاد فعالیتی برای طراحی سیستم جدید توزیع انجام داده است که هم تقویت فعالیت سیستم سنتی است و هم کمک به استقرار نظام هوشمند توزیع. در شهرداری نیز اقداماتی در این باره انجام شد که فعلاً متوقف مانده است. سعی ما احیای دوباره این نظام است و انشاءالله با کمک خود مطبوعات بتوانیم تحولی در این حوزه ایجاد کنیم. □